

کسی مقیمِ حریمِ حرم نخواهد ماند

چرا برنامه «هفت» را ضدسینمایی می دانم

چاپ شده در : مجله ۲۴

زمان انتشار : اردیبهشت ماه ۱۳۹۱

مدت هاست که در هر اشاره و نوشته ای، تعبیر «برنامه ضدسینمایی هفت» را مانند واژگان به هم پیوسته یک اصطلاح ترکیبی، بارها به کار برده ام و می برم. این یک اعتقاد درونی و واقعی است و برای خودش دلایل و ریشه هایی دارد؛ اما در نگاه نخست به نظر می رسد که در جایگاه نوعی طعنه و گنایه و فقط بابت ابراز یک صفت هجوآمیز، از این تعبیر استفاده کرده ام. بنا براین در فرصت کنونی، ترجیح دادم توضیح همین تعبیر را به محور یادداشت کوتاهم درباره این برنامه بدل کنم تا با وجود بار کنایی مشخصی که دارد و اقرار می کنم با شیطنت و تعمد از آن بهره می گیرم، معنای اصلی و مقصودم از آن، روشن شود.

یک بخش ماجرا این است که «هفت» برنامه ای «تلویزیونی» است که فقط به «سینما»ی ایران می پردازد و به تلویزیون کاری ندارد. در حالی که در بسیاری از موضوعات مطرح در آن مانند دلیل اقبال یا بی اقبالی یک فیلم در اکران عمومی، تلویزیون با رفتاری که در قبال پخش تیزرهای فیلم دارد، دخیل است. یا ماجرای بارها تکرار شده در این برنامه یعنی بحث دستمزد بازیگران سینما، به وضوح از مناسبات اقتصادی و دستمزدهای سریال های تلویزیونی سرچشمه می گیرد یا دامنه دار می شود. این در حالی است که مثلاً برنامه همچنان موفق «نود»، از مدیومی به اسم تلویزیون برای طرح بحث ها و به عنوان تریبونش استفاده می کند که هیچ ربط مستقیمی به فوتبال و مسائلس ندارد. در صورتی که سینما به تلویزیون ربط و به تبلیغات و همراهی و درک از سوی آن، نیاز دارد. اما چون «هفت» برنامه بسیار خوش خدمت و حرف گوش کنی است، هرگز به دایره انتقاد از تلویزیون پا نمی گذارد و از این زاویه، در مناسبات تقابلی میان تلویزیون با نگاه رسمی حاکم بر آن و بخش های مستقل سینمای ایران، به سود اولی و با پرده برداری از گرفت و گیرهای مختلف دومی - راست یا اغراق شده یا دروغش هم فرقی نمی کند - عمل می کند. پس از این منظر، برنامه ای ضدسینمایی است.

بخش دوم این است که «هفت» نسبت به سیاستگذاری های معاونت سینمایی وزارت ارشاد، حضور مسئولان در برنامه به شکلی که همه چیز بدون سوال جدی و چالش برانگیزی، به دلخواه آنان پیش برود، و همچنین نسبت به تصمیم های قربانی کننده سینمای درست و جدی و دغدغه مند و اثرگذار که بدنه دولتی معمولاً می گیرد، چنان سر به زیر و اهل تأیید است که انگار در یکی از اتاق های معاونت در ساختمان وزارتخانه واقع در میدان بهارستان تولید شده. همین رویکرد با تأییدی در حد باورنکردنی مانند اعلام «اخراجی ها ۳» به عنوان یکی از سه فیلم برگزیده برنامه «هفت» در جشنواره بیست و نهم فجر یا تعظیم بی استدلال در برابر «ملک سلیمان» با آن همه ایراد ابتدایی که پیشتر گفته و نوشته ام، همیشه شامل حال افراد و فیلم ها و نهادهای نزدیک به نگرش رسمی هم می شود. هرگز یادم نمی رود که وقتی یک بار بهرام بهرامیان در گفت و گویش در همین برنامه به تعبیر علی معلم از «کمدی های پیزامه پوشی» اشاره کرد، هفته بعد فریدون جیرانی گفت که از این بعد بخشی تازه با عنوان «تریبون هفته» خواهیم داشت که سینماگران حق دارند در این بخش به آن چه پیشتر در این برنامه درباره خود یا کارشان گفته شده، پاسخ گویند. خب؛ فکر می کنید این بخش بابت اصرار یا راحت تر بگویم، «رانت» چه کسی به برنامه اضافه و بعد هم خیلی زود متوقف شد؟ حدس اش سخت نیست: مسعود ده نمکی که می خواست مثل همیشه جواب آن اشاره به کمدی های سخیف را با استناد به فروش فیلم هایش بدهد و هیچ کس هم در برابرش نمی گفت که اگر آمار مخاطب ملاک بود، این زمانه و جامعه ای است که موسیقی قابل شنیدن در خیابان هایش «ساسی مانکن» به شمار می آید! از این زاویه، بابت این که همواره در خصوص سینماگران ارزشمند و «دارای فردیت» مان مانند علیرضا داودنژاد، مسعود کیمیایی، اصغر فرهادی، حسن فتحی و ...، «هفت» از دادن چنین امکان هایی پرهیز کرده و حتی برعکس، در کارشان خلل ایجاد کرده، برنامه ای ضد سینمایی تلقی می شود.

بخش یوم ماجرا که از قضا خیلی هم خنک و خوشمزه است، رفتارهای عمومی این برنامه در تضعیف فرهنگ سینماورها و فیلم بین هاست که درست بر خلاف اهداف یک برنامه سینمایی، در مسیر ایجاد دلزدگی و بیزاری از سینما و فرآیند فیلم بینی و فیلم فهمی عمل می کند: مدام برای بیننده جا می اندازد که سینما و قضاوت در باب آن بی معیار، دلخواهی و «سلیقه ای» است. مدام بدترین و بی سلیقه ترین انتخاب های ممکن را از فیلم ها و پشت صحنه و تبلیغات شان برای پخش در برنامه دارد و مدام در سالن سینما از تماشاگری که در حال فیلم دیدن است، درباره فیلم سوال می کند و او را به بی توجهی به آن چه روی پرده در جریان است، وا می دارد!! یعنی به همه معانی ممکن، از ترویج فرهنگ درست تماشای فیلم و تبلیغات و بخش هایش و بعد، درک و ارزیابی فیلم، فاصله می گیرد و غلط های مصطلحی مانند سلیقه ای بودن محض یا حرف زدن در حین تماشای فیلم را جا می اندازد و عادی جلوه می دهد. از این منظر هم بار دیگر «هفت» علیه کارکردهای یک برنامه سینمایی عمل می کند و مجموعه این ویژگی ها، «ماهیت» این برنامه را به جلوه عینی همان تعبیر «ضدسینمایی» که گفتم، نزدیک می کند.